

ایران و درام نویسان بزرگ جهان

۱۴

دکتر مهدی فروغ
رئیس دانشکده هنرهای دراماتیک

موضوعها و مضمونهای ادبی و تاریخی ایران در آثار نمایشنامه نویسان معروف جهان

« کریستوفر مارلو »^۱ نخستین درام نویس توانا و معتبر دوران الیزابت ، نمایشنامه‌ای ، در دو قسمت ، بنا بر وقایع زندگی و شرح کشور گشاییهای امیر تیمور گورکان ، و شور و شهنوئی که این سردار سفاک برای تحمیل مقام و قدرت داشت تنظیم کرده است که بحث درباره آن از لحاظ اهمیتی که مارلو در عالم درام نویسی در دوره الیزابت داشته کمال ضرورت را دارد . « مارلو » از پیشوایان سخن سرایان عصر خود محسوب است و حتی اگر يك نمایشنامه هم نوشته بود امروز بعنوان شاعری توانا از او یاد میشد . بین فارغ التحصیلان دانشگاه کمبریج ، که هفت نفر از ایشان معتبرترین نمایشنامه نویسان این دوره بشمار می آیند ، و آنها را « خداوندان ذوق دانشگاه »^۲ مینامیدند ، مارلو ، گرچه از لحاظ سن از همه کهتر بود ولی از لحاظ فضیلت و ذوق بر همه برتری داشت . نخستین نمایشنامه‌ای که از او در دست است تیمورلنگ است که در سال ۱۵۸۷ با توفیق فراوان در روی صحنه بازی شد . این نمایشنامه ، هم از لحاظ تعبیرات و مضامین شاعرانه و هم از لحاظ تأثیر دراماتیک ، از آثار نویسندگان قبل از وی بمراتب کاملتر و برازنده تر بوده است .

« مارلو » در سال ۱۶۵۴ میلادی ، در همان سال که شکسپیر بدنیا آمد ، در شهر « کانتربری »^۳ چشم بجهان گشود . پدرش کفشگری بود متمکن و هوشمند که قریحه فرزند را در همان اوان خردسالی دریافت و به تربیتش همت گماشت . « مارلو » پس از تحصیلات مقدماتی در دبستان شاه ، در کانتربری ، در هفده سالگی به دانشگاه کمبریج داخل شد و در سال ۱۵۸۴ بدریافت درجه B.A. و در سال ۱۵۸۷ ، در ۲۳ سالگی بدریافت درجه M.A. نائل گردید و چون نمایشنامه تیمورلنگ هم در همان سال بروی صحنه آمده باید گفت که « مارلو » در همان حین که به تحصیل در دانشگاه اشتغال داشته فعالیت ادبی و هنری را شروع کرده بوده است . دانشگاه کمبریج ، در آن هنگام که « مارلو » در آن داخل شد بصورت بزرگترین مرکز تعلیم و تعلم و بحث و فحص درباره تحقیقات جدید فلسفی و عقاید دینی درآمد بود و با وجود اینکه اولیاء کلیسای اعظم کانتربوری « مارلو » را ، بسبب هوش سرشاری که داشت ، برای خدمت در کلیسا در نظر گرفته بودند و بدین لحاظ برای تحمیل او در دانشگاه مساعدتهای مستمر مالی منظور میداشتند ، « مارلو » ، مانند بیشتر همقطاران دانشگاهی اش ، نتوانست خود را مقید به قیود کلیسا بسازد و در زمره گروهی ، که ایشان را « آزاد اندیشان »^۴ و بتعبیر دیگر

«بی‌دینان» مینامیدند درآمد و بروایتی کشته شدنش هم بسبب متهم بودنش به کفر و زندقه بوده است.

در دانشگاه کمبریج علاوه بر تدریس مباحث فلسفی و عقلی، به تئاتر هم توجه خاص میشد. باید گفت که در آغاز رنسانس عموم دانشگاه‌های انگلیس مرکز عمده برای فعالیت‌های تئاتری شده بود. گروه تئاتر ملکه الیزابت، و گروه‌های دیگر، اغلب برای دادن نمایش از لندن به کمبریج می‌رفتند. نمایشهایی هم از طرف اولیاء خود دانشگاه در آنجا بمعرض تماشا گذاشته میشد و دانشجویان موظف بودند در آن شرکت جویند و در صورت سربیزی از دانشگاه اخراج میشدند. این نمایشها با شور و هیجان فراوان همراه بود و «مارلو» هم قطعاً در برانگیختن این شورهیجان بی‌سهم نبوده است.

حادثه‌جویی و بی‌پروایی و بی‌باکی از خصوصیات احوال تجدیدطلبان و نوجویان انگلیس در این عهد بود و نمایش هم از اغتشاش و آشوب برکنار نبود و به اعتبار روحیه و تربیت عمومی، بر خوردهای تند و زنده‌های هم همراه داشت. روایت شده است که بعد از برگزاری هر نمایش اولیاء دانشکده مجبور بودند پنجره‌های آسیب‌دیده و خرد شده دانشکده را عوض کنند و از سال ۱۸۵۳ بعد محمم شدند در فصل نمایش پنجره‌ها را موقتاً بردارند تا از زبان و خسارت معمون بماند. دانشجویانی که مأمور حفظ انضباط تالار نمایش بودند کلاه آهنی لبه‌داری بسر می‌گذاشتند که از خطر محفوظ باشند و با شمشیر و خنجر برهنه در جای خود می‌ایستادند و مراقبت تالار را بعهده می‌گرفتند.^۷

تذکر این نکات از اینجهت بمورد نظر میرسد که برای ما معلوم میدارد که چرا این شاعر توانا شرح کشورگشایی و ستمکاری و شقاوت تیمور را موضوع نمایشنامه خود قرار داده است. مردم زمان مارلو نه تنها این نوع شقاوت هارا می‌پسندیدند، بلکه آنرا تجلیل و تشویق میکردند و بنا بر همین تمایلات عمومی بوده است که «مارلو» در عنوان نمایشنامه خود، به این سردار خون‌آشامی که به ندرت تبسم انسانی در لبانش مینشست لقب کبیر داده و نمایشنامه خود را «تیمور لنگ کبیر» نامیده است.^۸

درست است که حکومت تیمور و اعتقایش در کشور ما، بخلاف حکومت چنگیز، چندان دوام نیافت ولی شاید مردم هیچ کشوری به اندازه مردم کشور ما از شقاوت و سفاکی دوران سی و شش ساله حکومت این مرد مخوف زجر و شکنجه ندیده باشند. دوهزار نفر از مردم سیزوار را زنده در میان دیوار نهاد. از مردم اصفهان، به گناه اینکه در مقابل او، به رهبری آهنگری، مقاومت نشان داده بودند انتقام گرفت و هفتاد هزار نفر از ایشان را بقتل رسانید. از مردم آمل آنچه میتوانست کشت. همه شاهزادگان آل مظفر را بجرم مقاومت منصور بقتل رسانید.

Christopher Marlowe - ۱

University Wits - ۲

۳ - Conterbury شهری قدیمی و مذهبی در ناحیه کنت Kent، در جنوب شرقی انگلیس و فاصله ۹۰ کیلومتری لندن که کلیسای اعظم آن معروف است. این شهر از لحاظ مذهبی از قدیم مرکزیت داشته و در حقیقت واتیکان انگلستان بوده است.

۴ - تاریخ احتمالی تأسیس دانشگاه کمبریج را سال ۹۱۶ میلادی ذکر کرده‌اند. بهرحال دانشکده «کریوس کریستی» Chorpus Christi که «مارلو» در آن داخل گردید در سال ۱۳۵۲ میلادی تأسیس شده است.

Freethinkers - ۵

۶ - نمایشنامه «ریکادوس ترتیوس» Richardus Tertius (ریشار سوم) نوشته «تماس لگ»

Thomas Legg در آغاز ورود «مارلو» به دانشگاه کمبریج، بازی شد.

John Gassner; Masters of the Drama; 192 - 193 - ۷

Tamberlaine The Great - ۸

اینها نمونهٔ مختصری است از فجایع تیمور. ستودن چنین شخصی، بعنوان قهرمان، علل و موجباتی میخواهد که بیش از همه در اوضاع و احوال زمان، و تمایلات عمومی دوران الیزابت باید جستجو کرد.

در همین اوقات کسب و تجارت در انگلستان رواج فراوان داشت. علاقه به تجمل و جلال نه تنها در دربار و در کاخ‌های اشراف بلکه در خانهٔ طبقات متوسط رو به افزایش بود. امپراتوری انگلیس، در نتیجه سفرهای دور و دراز دریایی دریانوردان در حال توسعه بود و قدرت و شوکت آن کشور مدام افزایش مییافت. لشکرکشی دریایی اسپانیا بحد انگلیس با شکست اسپانیا پایان یافته بود و دریاسالارانی چون «دزیک» و «هاکینز» و «تروبی شر»^۹ در نظر مردم ارج و قربی عظیم یافته بودند. بدیهی و طبیعی است که در اوضاع و احوالی اینچنین تمایلات ذوقی و هنری نیز بصورت تشریفاتی مجلل و تعبیراتی مطنطن و پرمبالغه و مناظری باشکوه متجلی میگردد.

از طرف دیگر محیط و خصوصیات دوران زندگی مارلو، در اوآن کودکی به وی آموخته بود که فقط مردان نیرومند و موفق جامعه شایسته تکریم و تعظیم‌اند زیرا توجه و عنایتی که در دوره‌های پیش از وی، در مورد صاحبان فضائل اخلاقی و مذهبی و علمی اعمال میشد بتدریج جایش را به قهرمان پرستی داده بود. حق‌کشان متهور و غارتگران متجاسر و بازرگانان قانون شکن و منتقد رستهٔ امور را در دست داشتند. فلسفه قدرت و راه و رسم بدست آوردن آن، فکر و ذکر همهٔ مردم را بخود مشغول داشته بود و مارلو پرورش یافته چنین محیطی بود.

دربارهٔ خلق و خوی خود مارلو هم روایات متعددی از یاران و محابیان نمایشنامه‌نویس در دست است که حکایت از این میکند که مردی بوده است بی‌اندازه تندخو و بدبین و در عین حال مایوس و تلخ. طبیعی تند و آتشین داشت و روایت کرده‌اند که به جنون ملایمی گرفتار بوده است. زن نداشت و ثروتی هم بدست نیاورد و در نتیجهٔ این بدخویی دوست و رفیقی هم نداشت و بهمین جهات نمایشنامه‌هایش عموماً تلخ و سخت است. با این همه در بین شاعران و درام‌نویسان معاصرش از لحاظ فکر و عمل و شور و حرارت مقدم بر همه بوده است. بنابراین توضیحاتی که داده شد نوشتن نمایشنامه ای دربارهٔ جهانگیری بی‌باک چون تیمور علاوه بر اینکه از جهات مختلف با مقتضیات زمان و تمایلات عمومی موافق بود با خلق و خوی مصنف نیز کاملاً سازگاری داشت.

بنا به یادداشتهایی که از دانشگاه کمبریج بدست آمده «مارلو» در سالهای اخیر تحصیل مکرر از مدرسه غائب میشده و پس از تحقیق معلوم شده که به شهر «رنس»^{۱۰} سفر میکرده است. شورای دانشکده به تصور اینکه قصد «مارلو» از این مسافرت‌های پی‌درپی به شهر «رنس» این بوده است که با تحریکات کاتولیک‌های آن شهر بحدت اسپانیا، که پیرو کلیسای پروتستان بود هم آهنگ باشد، بظاهرو به استناد اینکه ساعات غیبتش از دانشکده از حدود محاز فزونی یافته و در باطن به این اتهام احتمالی که طرفدار پاپ است، او را از شرکت در امتحان M.A. محروم کردند ولی نماینده‌ای از شورای سلطنتی به اولیاء دانشگاه اطلاع داد

۹ - لشکرکشی دریایی اسپانیا Spanish Armada در سال ۱۵۸۸ در زمان سلطنت فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا بحد انگلیس شروع شد. ۱۲۹ ناو با هشت هزار ناوی و ۱۹ هزار سرباز و ۲۰۰۰ توپ در مقابل ۸۰ ناو انگلیسی با ۹ هزار ناوی شکست خورد. دریاداران چون Fisobisher, Hawkins, Drake رشادت فراوانی در این پیکار بخرج دادند، امپراتوری انگلیس از همین ایام و بدست همین اشخاص پایه‌گذاری شد. سفرهای دریایی این دریاسالاران فقط بمنظور کشف اراضی جدید نبود بلکه در عین حال منظورشان غصب آنها و گاهی غارت و چپاول ساکنان بومی بود.

۱۰ - Rheims شهری در شمال شرقی فرانسه در ۱۲۵ کیلومتری شمال شرقی پاریس که دارای کلیسای اعظمی است به سبک گوتیک که از لحاظ معماری و حجاری دارای اهمیت فراوان است و از نقاط مختلف جهان بدین آن میروند.



نمونه‌ای از تماشاخانه زمان الیزابت در انگلیس.

که مارلو خدمات پرارزشی به ملکه کرده و بجاست که از اعطای درجه M.A. به وی جلوگیری بعمل نیاید.

اما نهضت رنسانس هم با این عقیده که مرد محقق باید عزلت‌پذیر باشد و خود را از کشاکش زندگی دور بدارد مخالف بود. طرفداران این نهضت معتقد بودند که اطلاعات و معلومات باید در خدمت جامعه بکار رود و علما و دانشمندان باید به استقبال خطر روند تا به کسب

افتخار نائل شوند. خلاصه اینکه اوضاع واحوال زمان از هر لحاظ با خلق و خوی حادثه‌جو و رمانتیک مارلو سازگار بود.

درسال ۱۵۸۷ که مارلو به دریافت درجه M.A. نائل شد درلندن اقامت‌گزید و زندگی بی‌قیدوبندی را آغاز کرد و درمخالف بزرگان وادیبان و نویسندگان از جمله «سرفیلیپ سیدنی»^{۱۱} و «سروالتر رالی»^{۱۲} راه یافت و با «تماس‌کید» و «جرج بیل» و «رابرت کرین» و «ناش»^{۱۳} محشور گردید.

بطورکلی مارلو درنتیجه حشرونشر با عالی‌مقامترین طبقات روشن‌فکر ازیکطرف، وجماعت بی‌بندوبار و لاابالی ازطرف دیگر شاعری ازآب درآمد مبالغه‌پرداز. بعبارت دیگر هرچیز وهرکس را آیینۀ خیال خود درحد اعلائی قدرت جسمی و فکری تصویر میکرد و بهمین جهت تا به امروز او را یکی ازبزرگترین پیروان شیوه رومانیتیک درتاریخ ادبیات دراماتیک بحساب می‌آورند.

کارهارا سخت می‌گرفت واحوالش هرگر خوش نبود. دوستش «کید» به‌خدا ناشناسی او اعتراف کرد ودرنتیجه حکم بازداشتش بجرم الحاد صادر شد ولی پیش‌ازآنکه او را توقیف کنند در ۲۹ سالگی کشته شد. با دونفر از دوستان بی‌باکش دریکی از میخانه‌های حومه شهر لندن شام خوردند و مشروب مفصل نوشیدند و احتمالاً بین «مارلو» و یکی از همراهانش در حال مستی درخصوص پرداختن پول غذا و مشروب نزاع افتاد. «مارلو» خنجر رفیقش را ربود و به وی حمله‌ور شد. رفیقش درصدد دفاع برآمد وخنجر را از چنگ «مارلو» بدر آورد و بسختی بچشم راست او فرو برد.

آنچه دراین باره گفته شد ظاهر قضیه است ولی عده‌ای از محققان را عقیده براینست که موضوع قتل «مارلو» باین سادگی هم نبوده و احتمال نزدیک بیقین اینست که او را به دعوا کردن تحریک کرده‌اند تا ازتوقیف شدنش جلوگیری کرده باشند. چون اگر توقیف میشد ممکن بود که تحت شکنجه، پای دوستان هم‌عقیده‌اش را هم، که همه ازافراد متمول و متنفذ بودند بمیان بکشد. احتمال اقدام باین جنایت درباره «رالی» از دیگران بیشتر صدق میکند. بردیوار کلیسای «سنت نیکلاس»^{۱۴} لندن یک تابلو برنجی نصب شده که روی آن عبارتی باین مضمون حک شده است: «به‌یادبود فناپذیر کریستو فرمارلو M.A. ابداع‌کننده شعر پرآب‌وتاب آزاد که در نزدیکی این محل دراول ماه ژوئن ۱۵۹۳، در ۲۹ سالگی بشکل فجیعی از جهان رفت».

۱۱ - Sir Philip Sidney (۱۵۸۶-۱۵۵۴) شاعر و سیاستمدار و سرباز و مرد توانا ورشیدی که مورد توجه و عنایت ملکه الیزابت بود. کتاب معروف او بنام «ارکادیا» Arcadia در دفاع از شعر معروف است. آثار دیگری نیز درباره دفاع از شعر دارد که مشحون از تعبیرات واصطلاحات رقیق و لطیف شاعرانه است. درسال ۱۵۸۶ در ماموریتی به هلند کشته شد.

۱۲ - Sir Walter Raleigh (۱۶۱۸-۱۵۵۲) سیاستمدار و محقق و سرباز و دریانورد که مدتی مورد توجه خاص ملکه الیزابت بود ولی رابطه بین ایشان تیره شد ودر نتیجه، ثروت و اعتبار خود را از دست داد. در زمان سلطنت جیمز اول نیز بجرم توطئه بضد «جیمز» محکوم بقتل ودر برج لندن زندانی شد و دوازده سال در این زندان بود ودر این دوره بود که تاریخ جهان ورسالات دیگر خود را نوشت. در همین سالها بود که جیمز او را از زندان آزاد کرد و باو مأموریت داد که بسراغ طلا به گینه سفر کند ولی چون در این کار توفیق نیافت باز به زندان افتاد و عاقبت هم سرش را از تن جدا کردند.

۱۳ - Thomas Nash, George Peele, Robert Green, Thomas Kyd عده‌ای از شاعران و درام‌نویسان معروف دوره الیزابت‌اند. برای اطلاع بیشتر از احوال «کید» و شاعران و درام‌نویسان معاصر «مارلو» به مقدمه نمایشنامه دکتر فاستوس The Tragical History of Dr. Faustus ترجمه مرحوم دکتر لطفعلی صورتگر مراجعه کنید.

۱۴ - St. Nicholas کلیسایی است در محله «دپتفورد» Deptford، همان محله‌ای که مارلو در آنجا بقتل رسید، واقع در جنوب شرقی لندن در ساحل رود تایمز. مارلو در صحن همین کلیسا مدفون است.